

بازخوانی تجربیات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های روستایی در معرض خطر، با نگاهی به طرح جابه‌جایی روستای صفی‌آباد مینودشت

حمید جلالیان^۱ - دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران
رضا سلیمانگلی - دانشجوی دکترای جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران
علی طورانی - دانشجوی دکترای جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران
تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۰۱/۲۲ صص ۲۱۱-۱۷۹ تاریخ تصویب: ۱۳۹۲/۰۸/۰۲

چکیده

تغییر در فضاهای روستایی، تحت‌تأثیر نیروهای درونی (محلی) و عوامل و رخداد‌های بیرونی، از جمله سیاست‌گذاری‌ها یا اقدامات عمرانی در مقیاس‌های محلی، ناحیه‌ای و ملی است. از جمله این اهداف عمرانی می‌توان به طرح‌های جابه‌جایی سکونتگاه‌های روستایی اشاره کرد که در مواردی مانند احداث سد، بازسازی پس از روی‌دادن سوانح طبیعی و دورسازی از محل‌های خطرناک طبیعی به اجرا درمی‌آیند. با اجرای طرح جابه‌جایی روستای صفی‌آباد واقع در شهرستان مینودشت به دلیل رانش زمین، دگرگونی‌هایی در ابعاد مختلف فضایی - کالبدی این روستا پدید آمده است و سیستم اقتصادی، اجتماعی و کالبدی روستا به شدت تحت‌تأثیر قرار گرفته است؛ از این رو، در تحقیق حاضر علاوه بر مرور تجربیات مربوط به جابه‌جایی کالبدی سکونتگاه‌های روستایی، پیامدهای اجرای طرح جابه‌جایی روستای صفی‌آباد مینودشت بررسی شده است. روش تحقیق، روش توصیفی - تحلیلی است و اطلاعات لازم از طریق روش‌های کتابخانه‌ای و میدانی (شامل مشاهده مستقیم،

^۱. نویسنده مسؤول: hamidjalalian@khu.ac.ir

مصاحبه و تکمیل پرسش‌نامه) به‌دست آمده‌اند. جامعه آماری مورد مطالعه در این تحقیق، سرپرستان خانوارهای جابه‌جاشده روستای صفی‌آباد (۳۳۸ خانوار) است که در طرح جابه‌جایی، مکان خود را تغییر داده‌اند و در محل جدید سکنی گزیده‌اند. با استفاده از فرمول کوکران و اصلاحیه آن، ۱۱۷ خانوار به‌عنوان نمونه آماری برگزیده شدند. برای تجزیه و تحلیل داده‌های پرسش‌نامه، از آزمون‌های توصیفی و آزمون آماری ویلکاکسون، برای بررسی آثار و پیامدهای طرح در سه بعد کالبدی-محیطی، اقتصادی و اجتماعی-فرهنگی در دو دوره قبل و بعد از جابه‌جایی روستا (در نرم‌افزار آماری SPSS) استفاده شد. نتایج به‌دست‌آمده حاکی از تفاوت معناداری از لحاظ آماری در تعدادی از مؤلفه‌های کالبدی، اقتصادی و اجتماعی است؛ به‌گونه‌ای که تغییرات مثبت آن در شاخص‌های کالبدی و فیزیکی سکونتگاه است؛ ولی پیامدهای منفی آن در زمینه‌های اقتصادی و اجتماعی می‌باشد. به‌بیان‌دیگر، باوجود از بین رفتن تهدیدهای محیطی ناشی از رانش زمین، کیفیت زیست‌پذیری روستا ارتقاء نیافته است.

کلیدواژه‌ها: برنامه‌ریزی روستایی، توسعه روستایی، اسکان مجدد، صفی‌آباد.

۱. مقدمه

۱.۱. طرح مسئله

همه‌ساله مخاطرات طبیعی خسارت‌های فراوانی را به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه به‌وجود می‌آورند. شواهد موجود نیز حکایت از افزایش مداوم همه‌انواع خطرهای و مخاطرات طبیعی از نظر شدت و فراوانی دارند (چاروریات^۱، ۲۰۰۰: ۳۴۳). در این زمینه، روستانشینان بخش مهمی از جوامع انسانی را در کشورهای در حال توسعه تشکیل می‌دهند که به‌دلیل بافت و نحوه استقرارشان، بیش از جوامع دیگر در معرض مخاطرات قرار دارند (تقوایی و غفاری، ۱۳۸۵: ۴۹). کشور ایران نیز در منطقه‌ای واقع است که بروز و تکرار حوادث طبیعی از جمله زلزله، سیل و رانش زمین از ویژگی‌های آن است؛ بنابراین، «تعیین مکانیزم‌های آماده‌سازی در

برنامه‌های توسعه با هدف دستیابی به پایداری محیطی و در نتیجه آن کاهش آسیب‌پذیری محیطی و انسانی در برابر مخاطرات طبیعی بسیار حائز اهمیت است» (هانسون^۱ و همکاران، ۲۰۰۸: ۲۵).

آسیب‌های ناشی از حوادث طبیعی، علاوه بر بعد کالبدی- فیزیکی، ساختارهای اجتماعی و اقتصادی روستاها را نیز به شدت متأثر و گاه نابود می‌کنند. در چنین فضایی و به دلیل محدودیت منابع اعتباری دولت، سیاست‌ها و راهکارهایی مورد اقبال قرار می‌گیرند که مبتنی بر استفاده بهینه از منابع باشند. جابه‌جایی و ادغام یا تجمیع روستاها، از جمله این راهکارها هستند که برای استفاده بهینه از منابع و جهت دادن به سرمایه‌گذاری‌های دولت و ایجاد امنیت و بهبود رفاه روستاییان در معرض آسیب حوادث طبیعی یا آسیب‌دیده مورد توجه قرار گرفته‌اند. برنامه‌ریزی در راستای مقابله و مواجهه با بلایای طبیعی، به عنوان یکی از سازوکارهای رسیدن به توسعه، مستلزم شناخت دقیق جوامع روستایی، ملاحظات اقتصادی، اجتماعی، اکولوژیک و غیره آنان است و به طور حتم، بایستی متناسب با شرایط مختلف زمانی و مکانی- فضایی باشد. در این میان، مدیریت و سامان‌دهی روستاهای آسیب‌دیده یا در معرض آسیب، یکی از دغدغه‌ها و اولویت‌های مدیران و برنامه‌ریزان دولتی ما است.

با توجه به مسائل ذکر شده، ایده اصلی انجام تحقیق حاضر ناشی از این بوده که با اجرای طرح جابه‌جایی روستای صفی‌آباد واقع در شهرستان مینودشت به دلیل رانش زمین، دگرگونی‌هایی در ابعاد مختلف فضایی- کالبدی این روستا پدید آمده‌اند و سیستم اقتصادی، اجتماعی و کالبدی روستا را تحت تأثیر قرار داده‌اند؛ از این رو، پرسش‌های اصلی این تحقیق این هستند که پیامدهای فضایی- کالبدی طرح جابه‌جایی روستای صفی‌آباد چه چیزهایی هستند و آیا این تغییر و تحولات در راستای ارتقای کیفیت زندگی و توسعه پایدار روستا می‌باشد یا خیر؟

با توجه به اهداف موردنظر در طرح جابه‌جایی روستای صفی‌آباد، فرضیه اصلی تحقیق بر مثبت بودن عملکرد آن استوار است و نتیجه نهایی طرح را تأمین امنیت محیطی و ارتقای کیفیت زندگی در نظر می‌گیرد.

در بیان اهمیت و ضرورت چنین تحقیقاتی، به این نکته بسنده می‌شود که برهم‌زدن یکباره نظم زیستی جامعه‌ای که در گذر زمان و به‌طور نظام‌مند شکل گرفته است، بدون پیامدهای منفی نخواهد بود؛ بنابراین، شناخت این پیامدها و ریشه‌یابی آن می‌تواند چراغ راه آینده باشد و برنامه‌ریزان را در طراحی و اجرای طرح‌هایی با اطمینان بیشتر و اشکالات کمتر یاری رساند.

۲.۱. پیشینه تحقیق

به‌طور کلی، در مقیاس جهانی، عمده‌ترین طرح‌های اسکان مجدد روستایی، در درجه اول در فعالیت‌های توسعه‌ای مانند پروژه‌های ساخت سدهای بزرگ برق آبی و سپس، در مورد سکونتگاه‌های در معرض آسیب‌های طبیعی انجام شده‌اند که تعدادی از جمعیت‌های انسانی را مجبور به ترک مکان اولیه سکونت خود کرده‌اند. مطالعه اثرات و پیامدهای طرح‌های اسکان مجدد در کشورهای توسعه‌یافته و نیز در کشورهای در حال توسعه مورد توجه بوده است. اوسترلینگ^۱ (۱۹۷۰)، وایزر^۲ (۱۹۷۲)، آدالمو^۳ (۱۹۷۳)، ایدیپ^۴ (۱۹۸۷)، آفولایان^۵ (۱۹۸۷) و ... این پیامدها را در چندین مورد مطالعه نموده‌اند (لایتفود^۶، ۱۹۸۷: ۵۴). برخی از مطالعات در جدول (۱) نشان ذکر شده است:

-
1. Osterling
 2. Viser
 3. Adelemo
 4. Oyedipe
 5. Afolayan
 6. Lightfoot

جدول ۱- تعدادی از مطالعات خارجی در مورد اسکان مجدد و پیامدهای آن

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۲

ردیف	نام محقق	سال	محل تحقیق	نتایج
۱	جی. پی. اوسترلینگ	۱۹۷۰	آنکاشینو در هایو پامپا (پرو)	مهاجرت و اسکان خودجوش روستاییان پس از زلزله، نوگرایی و تغییر نوع معیشت از کشاورزی به کارگری و خدمات
۲	وایزر	۱۹۷۲	کاینجی (نیجریه)	گسیختگی ساختار اجتماعی و اشتغال بومی، ضعیف‌شدن ارتباطات اجتماعی
۳	لایفوت	۱۹۸۷	شمال شرق تایلند	بار مالی و افزایش هزینه‌های زندگی روستاییان
۴	کولابا ^۱	۱۹۸۲	دلتای روفیجی (نیجریه)	دورسازی از اراضی سیل‌گیر، گسترش برخی از خدمات اجتماعی و زیرساخت‌های ناحیه‌ای
۵	آفولایان	۱۹۸۷	منطقه ساسا	پیامدهای منفی اجتماعی- اقتصادی و فیزیکی- کالبدی همراه با افزایش هزینه‌ها
۶	جیبریل ^۲	۱۹۹۰	منطقه اوسمان (نیجریه)	پیامدهای منفی اجتماعی، اقتصادی و کالبدی
۷	آکوابی ^۳ و همکاران	۱۹۹۰	زیمباوه	اسکان مجدد فقرا و کشاورزان اجاره‌ای
۸	ووب ^۴	۲۰۰۵	گامبا (اتیوپی)	پیامدهای منفی اجتماعی و اقتصادی
۹	اولاوپو ^۵	۲۰۰۸	حوضه آبگیر دریاچه جبا (نیجریه)	ابزاری برای شتاب‌دادن به توسعه روستایی از یک سو، و تغییر چشم‌انداز کشاورزی، ناتوانی در ادامه معیشت و روی آوردن به مشاغل جانبی از سوی دیگر
۱۰	آگبا آگابو ^۶ و همکاران	۲۰۱۰	باکاسی (نیجریه)	تأثیر بر فرهنگ، شکل مسکن، روابط اجتماعی میان اعضای خانوار، سنت‌های بومی مردم و ساختار اقتصادی

1. Kulaba
2. Jibril
3. Akwabi
4. Woube
5. Olawepo
6. Agba Ogaboh

با توجه به گزارش‌های موجود در این زمینه، طرح‌های اسکان مجدد، نتایج و پیامدهای مثبت و منفی در پی داشته‌اند که در اغلب موارد، پیامدهای منفی آن‌ها بیشتر بوده است. علت اصلی موفق نبودن این طرح‌ها در کشورهای فقیر و در حال توسعه، به‌طور عمده در ساختار ناهماهنگ فرهنگی و اجتماعی آن مناطق و جامعیت نداشتن طرح‌ها ذکر شده است؛ زیرا، سکونتگاه و مجتمع زیستی - اعم از کوچک و بزرگ - عمیقاً در اکولوژی محلی، منطقه‌ای و اجتماعی خود ریشه دوانیده‌اند و مردم تمایل ندارند به‌سادگی تغییر مکان دهند؛ مگر آنکه از نظر آن‌ها فواید جابه‌جایی و تمرکز دوباره قابل توجه و چشمگیر باشد.

در ایران نیز تحقیقات متعددی درباره جابه‌جایی روستاها و اثرات و پیامدهای آن‌ها انجام شده است که تجربیات آن‌ها در اختیار می‌باشد. به‌طور کلی، بحث جابه‌جایی یا ادغام روستاها و حذف آبادی‌های کوچک، سابقه در تفکرات برنامه‌ریزی پیش از انقلاب اسلامی دارد؛ یعنی زمانی که گروه مشاورین بتل^۱ در سال ۱۳۵۱ طرح خود را تنظیم کردند. در این طرح، پیشنهاد تجهیز روستاهای بالای ۲۵۰ نفر جمعیت و نبود توجه به روستاهای کم‌جمعیت، نوعی زمینه‌سازی برای حذف تدریجی آبادی‌های کوچک و جابه‌جایی یا ادغام آن‌ها در روستاهای بزرگ و روستا - شهرها به حساب می‌آمد. پس از پیروزی انقلاب و در دهه ۱۳۷۰، این بحث‌ها دوباره در تفکرات سازندگی وزارت جهاد سازندگی و سپس، در بنیاد مسکن انقلاب اسلامی قوت گرفت و طرح‌های تجمیع روستاها، سامان‌دهی سکونتگاه‌های کوچک و مانند آن، در گوشه و کنار کشور به‌ویژه در مناطق آسیب‌دیده به‌دلیل وقوع سیل و زلزله، برای مطالعه و اجرا در دستور کار قرار گرفت.

هم‌زمان با این جریانات، ارزیابی نتایج این طرح‌ها نیز توجه محققان را جلب می‌کند؛ به‌گونه‌ای که طرح تجمیع روستایی را با پرسش‌های اساسی روبه‌رو می‌سازد. برگزاری سمینار سامان‌دهی روستاهای پراکنده در همدان در پاییز در سال ۱۳۷۵ را می‌توان نقطه اوج بحث بایدها و نبایدها و همچنین، چگونگی اجرای طرح‌های سکونتگاهی روستایی در کشور ما قلمداد کرد (بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، ۱۳۷۶). نتایج مجموعه تحقیقات و بحث‌های

کارشناسی در این زمینه موجب شد تا طرح‌های غیر ضروری اسکان از برنامه‌ها حذف شوند و شیوه‌های سامان‌دهی نیز در صورت ضرورت، با ملایمت و قدرت انتخاب مردم پیش‌بینی شوند. این پختگی در امر برنامه‌ریزی و سامان‌دهی سکونتگاه‌های روستایی، حاصل تلاش و تجربه افراد صاحب‌نظر رسمی و غیررسمی در کشور ما است که با هدف کاهش معایب و زیان‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی روش‌های معمول جابه‌جایی و ادغام به‌دست آمد. جدول (۲) برخی از تحقیقات انجام‌شده در داخل کشور را نشان می‌دهد:

جدول ۲- برخی از تحقیقات داخلی در زمینه طرح‌های اسکان مجدد

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۲

ردیف	نام محقق	سال	محل تحقیق	نتایج
۱	بدری و رفیعیان	۱۳۷۳	رودبار و طارم	خدمات‌رسانی، بروز مشکلات اجتماعی - اقتصادی
۲	ایزدی خرامه	۱۳۷۶	استان فارس	پیامدهای منفی نارضایتی اجتماعی، بیکاری و مهاجرت
۳	افراخته	۱۳۷۶	استان سیستان و بلوچستان	مکان‌گزینی نامناسب طرح‌ها، نگرش سرپناهی در ساخت مسکن روستاییان، ضعف عملکرد اقتصادی، گسیختگی وحدت اجتماعی و وابستگی به خدمات دولتی
۴	جباری‌ارفعی	۱۳۷۶	شرق مازندران	افزایش هزینه‌ها، محدود شدن دامداری، بیکاری و نارضایتی
۵	بدری	۲۰۰۱	آبیر طارم	ناهنجاری‌های اجتماعی - اقتصادی در سکونتگاه‌های ادغام‌شده

مرور تجربیات جهانی و ملی نشان می‌دهد طرح‌های اسکان مجدد را بر مبنای معیارهای متفاوتی همچون اجباری یا داوطلبانه‌بودن، برنامه‌ریزی‌شده یا بدون برنامه‌ریزی و همچنین، از نقطه‌نظر علل وجودی می‌توان دسته‌بندی نمود. کانون اساسی راهبرد اسکان مجدد، جدای از انگیزه‌های بازسازی، عمدتاً بر مبنای صرفه‌جویی‌های ناشی از مقیاس است و در پی کمینه‌کردن هزینه‌ها و بهینه‌کردن سرمایه‌گذاری‌ها می‌باشد. افزون‌براین، وسعت اهداف عملکردی این طرح‌ها در توسعه محلی و منطقه‌ای، افزایش بازدهی اقتصادی روستاها، کاهش هزینه‌های اقتصادی ناشی از سرمایه‌گذاری‌های زیرساختی، تأمین امکانات اولیه و ثانویه در مکان‌های کم‌جمعیت و در نهایت، ایجاد ساختاری مناسب در جهت توسعه روستایی در نظر گرفته

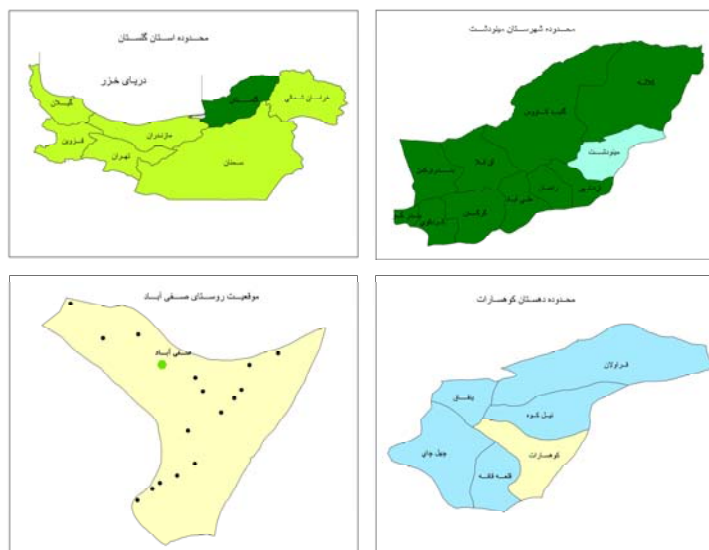
می‌شوند که در کشورهای مختلف با ویژگی‌های متفاوت اقتصادی - اجتماعی به مرحله عمل درآمده‌اند.

۲. روش‌شناسی تحقیق

۲.۱. قلمرو جغرافیایی تحقیق

نمونه مورد مطالعه در این تحقیق، روستای صفی‌آباد در شهرستان مینودشت استان گلستان است. در تقسیمات سیاسی - اداری جدید در سال ۱۳۹۰، با تبدیل شدن روستای دوزین به مرکز بخش، روستای صفی‌آباد به عنوان مرکز دهستان کوهسارات انتخاب شد. اقتصاد روستا ترکیبی از زراعت، باغداری و دامداری است. کشت اول روستا توتون است؛ اما گندم، جو و برنج نیز از مهم‌ترین کشت‌های روستا به‌شمار می‌روند.

در سال ۱۳۷۰، حدود ۴۵ هکتار از زمین‌های زراعی صفی‌آباد که همجوار با روستا بود، دچار رانش شد و موجب ترک‌برداشتن واحدهای مسکونی گردید. پیگیری این مسئله روشن کرد که روستا به دلیل وجود آب‌های زیرزمینی در بخش جنوبی دچار رانش است؛ بنابراین، طرح جابه‌جایی روستا، از سوی بنیاد مسکن انقلاب اسلامی استان گلستان در دستور کار قرار گرفت. در این طرح، روستا در فاصله یک کیلومتری به محل امنی انتقال داده شد. برای اجرای طرح، ۱۳ هکتار زمین خریداری شد و به هر فرد متأهل حدود ۲۰۰ متر مربع زمین برای ساخت واحد مسکونی و ۵۰۰۰۰۰۰ تومان وام و مبلغ ۱۰۰۰۰۰۰۰ ریال وام بلاعوض اعطاء شد. شکل (۱) موقعیت روستای صفی‌آباد را در استان گلستان نشان می‌دهد:



شکل ۱- موقعیت روستای صفی‌آباد در استان گلستان

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۲

۲.۲. روش تحقیق

تحقیق حاضر از نظر ماهیت، تحقیقی کاربردی و از حیث روش، جزو تحقیقات توصیفی-تحلیلی به‌شمار می‌آید که به‌شیوه پیمایشی مبتنی بر پرسش‌نامه (نیمه‌ساخت‌یافته) اجرا شده است. اطلاعات نظری، از طریق روش کتابخانه‌ای و اطلاعات مربوط به منطقه مورد مطالعه، از طریق مشاهدات مستقیم و تهیه عکس، مصاحبه با دهیار، اعضای شورا و تعدادی از روستاییان و تکمیل پرسش‌نامه گردآوری شدند. برای تکمیل اطلاعات پرسش‌نامه، از روش مصاحبه نامنظم و آزاد استفاده شده است که برای کسب اطلاعات دقیق‌تر و بیشتر، آزادی عمل زیادتری دارد.

جامعه آماری مورد مطالعه در این تحقیق، کل سرپرستان خانوار روستای صفی‌آباد هستند که در طرح جابه‌جایی مکان خود را تغییر داده‌اند و در محل جدید سکنی گزیده‌اند؛ از این‌رو، با توجه به آنکه از بین ۳۵۲ خانوار ساکن در این روستا، ۳۳۸ خانوار جابه‌جا شده‌اند (مصاحبه با

دهیار روستا). با استفاده از فرمول کوکران و اصلاحیه آن، ۱۱۷ خانوار به‌عنوان نمونه آماری برگزیده شدند.

برای تجزیه و تحلیل داده‌های پرسش‌نامه، از نرم‌افزار آماری SPSS استفاده شد. آزمون‌های به‌کاررفته در این تحقیق شامل آزمون‌های توصیفی و آزمون آماری ویلکاکسون است. با استفاده از آزمون آماری ویلکاکسون می‌توان تغییرات و پیامدهای حاصل از وقوع یک پدیده را در دو دوره قبل و بعد از وقوع آن سنجید.

۳.۲. متغیرها و شاخص‌های تحقیق

آثار و پیامدهای طرح جابه‌جایی روستای صفی‌آباد، در سه بعد کالبدی- محیطی، اقتصادی و نیز اجتماعی- فرهنگی در دو دوره قبل و بعد از جابه‌جایی روستا بررسی شده است. برای این منظور، در هر یک از ابعاد سه‌گانه یادشده مؤلفه‌هایی به شرح جدول (۳) در نظر گرفته شدند:

جدول ۳- ابعاد و مؤلفه‌های ارزیابی اثرات و پیامدهای طرح جابه‌جایی روستای صفی‌آباد

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۲

مؤلفه‌ها	بُعد
استحکام و مقاومت منازل، ساخت‌وساز مسکن به‌سبک شهری، تغییرات کاربری، وضعیت و کیفیت معابر، فضای سبز، آلودگی‌های محیط‌زیست، امکانات رفاهی و زیربنایی (دسترسی، برق، گاز، تلفن، اینترنت و ...)، وضعیت آب آشامیدنی	کالبدی- محیطی
ساخت اشتغال، درآمد، بدهی و وام، میزان سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های کشاورزی، تولید محصول، قیمت املاک مسکونی، زمین زیرکشت، وضعیت دامداری	اقتصادی
بهداشت و درمان، میل به ماندگاری در روستا، مهاجرت به شهر، تعاملات درونی و انسجام اجتماعی، وضعیت مشارکت در امور مربوط به روستا (مثلاً عمران روستایی)، استرس و فشارهای روانی	اجتماعی

۳. مبانی نظری تحقیق

جابه‌جایی و تجمیع (یا ادغام) روستاها که به لفظ عام «اسکان مجدد» نیز نامیده می‌شوند، از جمله شناخته‌شده‌ترین راهکارها در زمینه مقابله با حوادث طبیعی هستند. اسکان مجدد حرکت اختیاری یا اجباری تعدادی از مردم از یک مکان (سکونتگاه اصلی) به مکان دیگر (سکونتگاه جدید) است و این حرکت و جابه‌جایی بدون پیامد نیست (آگبا اگابو و همکاران، ۲۰۱۰: ۵۰). براساس تجربه‌های جهانی، اسکان مجدد پدیده‌ای است که بیشتر ناظر بر تجربه‌های کشورهای در حال توسعه است (پورطاهری و همکاران، ۱۳۹۰: ۸۸) و در این راهبرد، خط‌مشی اجرای پروژه‌های جابه‌جایی از سوی بانک جهانی در سال ۱۹۸۰ مطرح شد (سرنوآ، ۱۹۹۵: ۱۴). بنیان‌های نظری اسکان مجدد را می‌توان در چند نظریه و دیدگاه جست-وجو کرد. در این مقاله، برای رعایت اختصار کلام، تنها به نظریه انتشار^۱ (پخش) اشاره می‌شود.

نظریه انتشار: این نظریه ابتدا در علوم مربوط به طبیعت به‌ویژه در مطالعات مربوط به اکولوژی گیاهان و جانوران مطرح شد و سپس، در علوم اجتماعی و جغرافیا که با تحلیل فضایی - مکانی پدیده‌ها سروکار دارد، مورد استقبال قرار گرفت. براساس این نظریه، پذیرش یک موقعیت تازه (مثلاً اسکان در محل جدید) تحت تأثیر عوامل متعددی از جمله، ویژگی‌های جغرافیایی محلی، عوامل فرهنگی و اجتماعی (زبان، قومیت ...)، عوامل اقتصادی و معیشتی و عوامل سیاسی - مدیریتی قرار می‌گیرد. فرایند پذیرش، یک نوآوری (در اینجا اسکان مجدد یا جابه‌جایی سکونتگاه) در چهار مرحله شامل مرحله مقدماتی، مرحله انتشار، مرحله تراکم و مرحله اشباع، قابل شناسایی است (هگت، ۱۳۷۵: ۹۶). همچنین، افراد جامعه نیز در مقابل شرایط تازه به سه دسته تقسیم می‌شوند: گروه اول، تعداد کمی از پیشگامان هستند که اقدام به پذیرش نوآوری می‌کنند؛ در مرحله بعد، بخش عمده‌ای از مردم به نام دنباله‌روها هستند که به گروه اول می‌پیوندند و در نهایت، گروه دیرپدیرنده‌ها هستند که پس از کسب اطمینان کافی،

1. Cernoa

2. Diffusion Theory

شرایط جدید را می‌پذیرند (هاگرستراند^۱، ۱۹۶۵، به نقل از ووب، ۲۰۰۵: ۳۳). کاربرد این نظریه در زمینه اسکان مجدد را می‌توان برای درک پذیرش مردم و مراحل انتقال به مکان جدید بررسی و تفسیر کرد.

۳.۱. دلایل اسکان مجدد

اولاوپو معتقد است دلیل اصلی اسکان مجدد، تحولات سیاسی- اجتماعی مانند جنگ، ناآرامی‌های جامعه، بحران‌های قومیتی، مذهبی، بلایای طبیعی از جمله خشکسالی‌ها، سیل، قحطی و برنامه‌های مکانیابی برای کشاورزی می‌باشد (اولاوپو، ۲۰۰۸: ۱۱۶). این دلایل را می‌توان در سه دسته کلی طبقه‌بندی کرد که عبارت‌اند از:

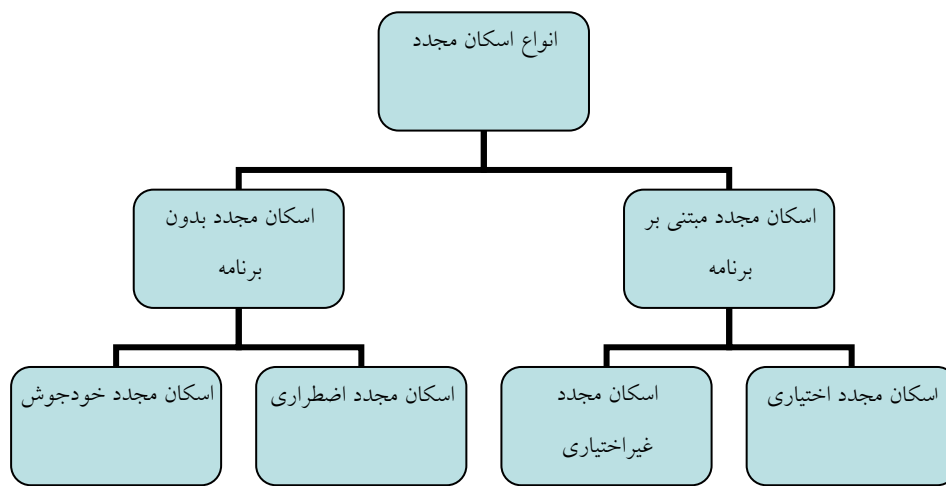
۱. مقابله با حوادث طبیعی (زمین‌لغزش، سیل، زلزله و ...)
۲. اجرای برنامه‌های توسعه روستایی و ناحیه‌ای (سدسازی و ...)
۳. دلایل سیاسی و امنیتی (نقاط مرزی و ...).

۳.۲. شیوه‌های اجرایی اسکان مجدد

به‌طور کلی، برنامه‌ریزان و دست‌اندارکاران دولتی سه شیوه اجرایی برای مدیریت و برنامه‌ریزی روستاهای آسیب‌دیده یا در معرض آسیب در پیش گرفته‌اند که عبارت‌اند از:

۱. شیوه ادغام و تجمیع: این شیوه به دو صورت تجمیع چند روستا و استقرار آن‌ها در یک مکان جدید (بدون زمینه سکونت قبلی) یا ادغام چند روستا در یک روستای دیگر است؛
۲. شیوه درجاسازی: در این شیوه، روستا در محل اصلی خود بازسازی می‌شود؛
۳. شیوه جابه‌جایی (انتقال): در این شیوه، روستا به فاصله‌ای حدود چند صد متر تا بیش از ۲ کیلومتر، از محل روستای قبلی انتقال یافته است و نسبت به بازسازی آن اقدام می‌شود (سعیدی و حسینی حاصل، ۱۳۸۸: ۲۲۲).

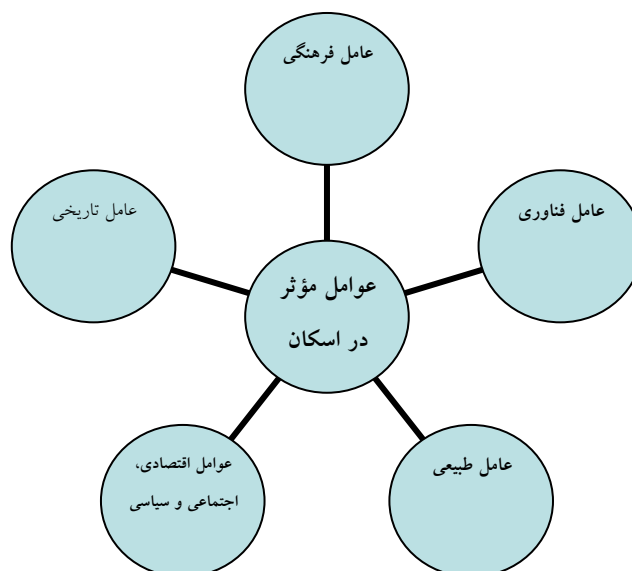
در فرایند اسکان مجدد و گونه‌شناسی سکونتگاه‌های جدید، چهار نوع برنامه سکونت‌گزینی مجدد می‌تواند در کشورها شناسایی و تعریف شود که در شکل (۲) نمایش داده شده است:



شکل ۲- انواع اسکان مجدد

مأخذ: ووب، ۲۰۰۵: ۳۸

اسکان مجدد می‌تواند تأثیر پویایی بر زندگی مردمان ساکن در محل جدید بگذارد و به‌عنوان شکستی ناگهانی، به دوام اجتماعی و بهبودی مردمی که مجدد ساکن شدند، کمک کند. روی هم‌رفته هدف اسکان مجدد باید بهبودی استانداردهای زندگی، امنیت محیطی، تولید سرمایه و سطح درآمد مردم باشد؛ مشروط به اینکه در برنامه‌ریزی، طرح‌های اسکان مجدد همه عوامل دخیل در این مسئله لحاظ شود. شکل (۳) عوامل مؤثر در اسکان مجدد را نشان می‌دهد:



شکل ۳- مدل تحلیلی برای اسکان مجدد

مأخذ: وب، ۲۰۰۵: ۴۱

با توجه به شکل (۳)، می‌توان گفت مفهوم کنونی برنامه‌ریزی توسعه کالبدی متحول شده است و بر تعامل عناصر چهارگانه فرم (به‌عنوان محدودکننده فضا)، فعالیت (به‌معنای کارکردهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی انسان)، فضا (به‌عنوان محل و مکان وقوع فعالیت) و انسان (به‌مثابه عامل روح‌دهنده به فضا و فعالیت) تأکید می‌ورزد (افتخاری و همکاران، ۱۳۹۰: ۲۴).

۳.۳. نگرش‌ها نسبت به اسکان مجدد

دیدگاه‌ها و نگرش‌های کارشناسان توسعه روستایی در زمینه جابه‌جایی روستا را براساس کیفیت نگرش به موضوع، از سه بعد می‌توان مدنظر قرار داد: دیدگاه موافق با جابه‌جایی، دیدگاه مخالف با جابه‌جایی و دیدگاه التقاطی. دیدگاه موافق با اجرای طرح‌های جابه‌جایی و

ادغام، با نگرشی صرفاً مکانیکی و چشم‌پوشی از عواقب اقتصادی - اجتماعی اجرای چنین طرح‌هایی، تنها به‌ظاهر قضیه می‌پردازد (رحمتی، ۱۳۷۶: ۶۶). دیدگاه مخالف با جابه‌جایی مکانی جمعیت، توجه خود را به مسائل اجتماعی پراکنش جمعیت معطوف می‌سازد و معتقد است که روستا دارای یک هویت فیزیکی محض نیست که به‌سادگی بتوان آن را جابه‌جا کرد. در این صورت، نه تنها مشکل حل نخواهد شد، بلکه پیامدها و اثرات زیان‌باری در زمینه‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و ... پدیدار خواهد شد. در درجه نخست، هر سکونتگاه، اعم از بزرگ و کوچک، عموماً ریشه در اکولوژی طبیعی و اجتماعی آن محل و منطقه دارد. ساکنان و مردم یک روستا تمایل به جابه‌جایی مکان روستای خویش ندارند؛ مگر اینکه جذابیت‌هایی در این مسئله برایشان وجود داشته باشد یا اینکه الزامی وجود داشته باشد.

دیدگاه سوم دیدگاهی تلفیقی است که خود را از افراط و تفریط‌هایی که دو دیدگاه قبلی با آن مواجه بودند، دور نگه می‌دارد. این دیدگاه با محور قرار دادن توسعه منطقه‌ای و ملی، به اجرای طرح‌های جابه‌جایی و اسکان مجدد در چارچوب رهیافت توسعه روستایی توجه کرده است. در این دیدگاه، در وهله نخست، تأکید بر حفظ موجودیت فعلی روستاها و مکان‌های جمعیتی می‌شود و تنها در صورت تضمین حفظ استانداردهای موردنظر و رعایت معیارهای مناسب، اجرای چنین برنامه‌هایی مجاز شمرده می‌شود (همان).

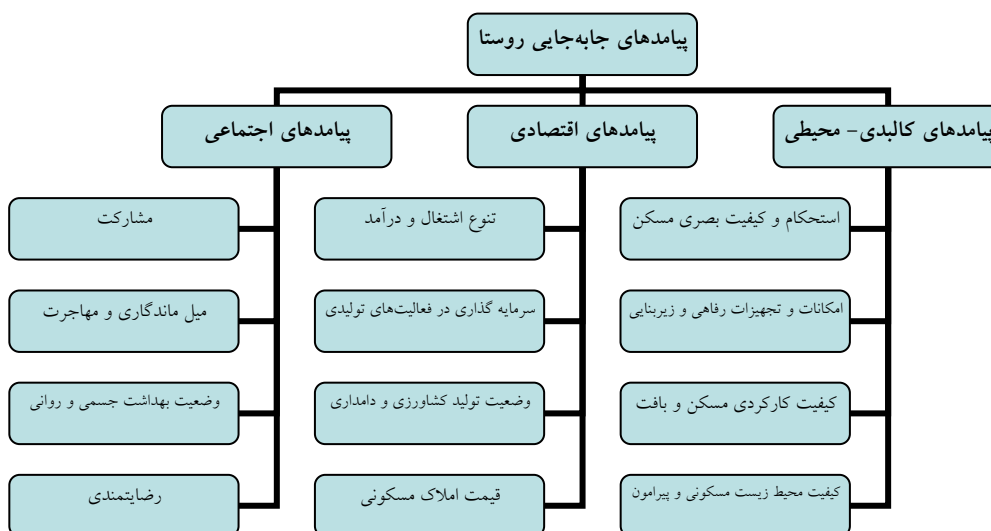
۴.۳. نتایج و پیامدهای اسکان مجدد

طرح اسکان مجدد اثرات زیادی بر اشتغال، شرایط اجتماعی و زندگی افراد جامعه دارد و در بیشتر موارد، اثرات منفی غیرقابل اجتناب و برگشت‌ناپذیری روی جوامع جابه‌جاشده می‌گذارد (جیبریل، ۱۹۹۰: ۲۴). سکنی‌گزینی مبتنی بر برنامه یا سکنی‌گزینی خودجوش مردم از محل سکونت اصلی‌شان برای ساکن شدن در محل جدید، آن‌ها را مجبور می‌سازد تا با سیستم‌های اجتماعی، اقتصادی، محیطی و اداری جدید سازگاری یابند. درطول فرایند سکنی‌گزینی یا انطباق، مردم با فشارهای متفاوت اقتصادی، اجتماعی و روحی - روانی زیادی روبه‌رو می‌شوند (ووب، ۲۰۰۵: ۷۱).

براساس شواهد و قرائن موجود، اکثر قریب به اتفاق این طرح‌ها و برنامه‌ها نتوانسته‌اند موفقیت‌های چندانی کسب کنند. «اغلب طرح‌های اسکان که در جهان به اجرا درآمده‌اند، به دلیل مداخله مستقیم دولت و عدم به‌کارگیری مشارکت روستاییان با شکست مواجه شده است» (هاشمی کوچکسرای، ۱۳۷۶: ۵۶۹) و این مورد را بیشتر به فقدان جامع‌نگری و مشکلات مربوط به برنامه‌ریزی طرح‌ها نسبت می‌دهند.

۳.۵. مدل تحلیلی تحقیق

در این تحقیق، برای ارزیابی طرح جابه‌جایی روستای صفی‌آباد، سه بعد کالبدی، اقتصادی و اجتماعی در نظر گرفته شد (شکل ۴):



شکل ۴- مدل ارزیابی پیامدهای طرح جابه‌جایی روستای صفی‌آباد مینودشت

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۲

۴. یافته‌های تحقیق

۴.۱. یافته‌های توصیفی

برخی از ویژگی‌های جامعه نمونه چنین بوده است: از ۱۱۷ نفر انتخابی، ۴۷ نفر (۴۱/۲٪) ۳۰ سال یا کمتر سن داشتند؛ ۶۱ نفر (۵۲٪) بین ۳۰ تا ۶۰ سال و ۹ نفر بالای ۶۰ سال سن داشتند؛ بنابراین، بیش از ۴۱٪ از سرپرستان خانوارهای جابه‌جا شده، افراد جوان زیر ۳۰ سال هستند که این، بیانگر ویژگی‌های ریسک‌پذیری جوانان و مشارکت آن‌ها در پروژه‌های جدید است. در انطباق با نظریه پخش، این گروه را می‌توان به‌عنوان افراد پیشگام در پذیرش نوآوری یا شرایط تازه قلمداد کرد. همچنین، از نظر میزان سواد، ۲۱ نفر بی‌سواد، ۶۴ نفر زیردیپلم، ۲۵ نفر دیپلم، ۳ نفر فوق‌دیپلم و ۴ نفر کارشناسی بودند.

در پاسخ به سؤال ضرورت اجرای این طرح، ۲۲ نفر گزینه کم را مطرح نموده‌اند؛ ۳۵ نفر گزینه تاحدودی، ۴۸ نفر زیاد و ۱۲ نفر به گزینه خیلی زیاد اشاره داشتند. گفتنی است که هیچ‌کدام از پاسخ‌دهندگان، کاملاً ضرورت اجرای طرح را انکار نکردند و گزینه خیلی کم را انتخاب نمودند. همچنین، افراد پاسخ‌دهنده‌ای که در قسمت جنوبی روستا و نزدیک به خط رانش بودند، این ضرورت را بیشتر دانستند و به‌طور جدی از آن سخن به‌میان آوردند؛ حال آنکه افرادی که در قسمت شمالی روستا زندگی می‌کردند، چندان قائل به این نکته نبودند. در مورد میزان رضایت از مکان انتخابی، ۲۸ نفر به گزینه خیلی کم، ۳۵ نفر به گزینه کم، ۲۹ نفر به گزینه تاحدودی، ۲۱ نفر به گزینه زیاد و تنها ۴ نفر به گزینه خیلی زیاد اشاره نمودند. همچنین، در مورد نحوه اجرای طرح و به‌بیان‌دقیق‌تر، میزان مشارکت روستاییان در فرایند برنامه‌ریزی و اجرای طرح، از ۱۱۷ پاسخ‌گو، ۷۲ نفر گزینه اصلاً، ۳۳ نفر گزینه خیلی کم و ۶ نفر گزینه تاحدودی را انتخاب کردند. در این سؤال، کسی گزینه زیاد یا خیلی زیاد را انتخاب نکرد.

۲.۴. یافته‌های تحلیلی

الف. اثرات و پیامدهای اجرای طرح در بعد کالبدی- محیطی

در این قسمت، آثار و پیامدهای طرح در بعد کالبدی- محیطی، از طریق ۸ مؤلفه در دو دوره قبل و بعد از جابه‌جایی روستا سنجیده شده‌اند:

- استحکام و مقاومت منازل

نتایج حاصل از آزمون ناپارامتریک ویلکاکسون در مورد استحکام و مقاومت منازل در دوره-های قبل و بعد از جابه‌جایی، حاکی از تحولی کاملاً مثبت است؛ به طوری که از ۱۱۷ پاسخ‌گو، ۱۰۹ نفر مسکن خود را بعد از جابه‌جایی روستا و اسکان مجدد در روستای جدید، مقاوم‌تر و مستحکم‌تر از مسکن قبلی دانسته‌اند. ۸ نفر نیز ابراز داشته‌اند که تغییری در این زمینه اتفاق نیفتاده است و کسی از پایین‌بودن مقاومت و استحکام مسکن فعلی در مقایسه با مسکن قبلی یاد نکرده است؛ بنابراین، از لحاظ آماری نیز این مؤلفه در دو دوره قبل و بعد، دارای تفاوت معناداری می‌باشد. این مسئله از طریق مشاهدات صورت‌گرفته توسط محققان نیز تأیید گردیده است. در محل قدیم، عمده مساکن با مصالحی از گل و چوب ساخته شده‌اند و عمر بیشتر آن‌ها بالای ۱۵ سال بوده است؛ ولی در روستای جدید، مساکن، نوساز و با مصالح مقاوم‌تر مانند آهن و آجر ساخته شده‌اند.

- ساخت‌وساز مساکن به سبک شهری

نتایج به‌دست‌آمده از مؤلفه بعدی؛ یعنی، ساخت‌وساز مساکن به سبک شهری نشان‌دهنده تحولات و تغییرات زیادی است. آزمون انجام‌شده در این زمینه، تفاوت بین دو دوره را در سطح معناداری ۰/۰۰۰ نشان می‌دهد و این بدان معنا است که با اطمینان ۹۹٪ می‌توان از تغییرات در دو دوره سخن به‌میان آورد. به‌طورکلی، اکثر افراد، مساکن روستا را با مساحت بزرگ‌تر و دارای انطباق بیشتر با محیط پیرامون یا کارکرد هم‌زمان سکونتی و اقتصادی در نظر دارند. مشاهدات مستقیم و منظم تأیید می‌کنند که در نتیجه اجرای طرح جابه‌جایی، مساحت زیربنای اکثر مساکن نسبت به قبل کمتر شده است. مصالح استفاده‌شده، دیگر سیمای بومی و مطابقت با

محیط اطراف ندارند و مهم‌تر از همه آنکه کارکرد اقتصادی مساکن به یکباره یا از بین رفته یا بسیار کم‌رنگ شده است و این، مشکلات و مسائل فراوانی را به وجود آورده است. در مصاحبه با مردم و مدیران محلی (دهیار و اعضای شورا) در زمینه این مشکلات، به این نکات تأکید شد: اکثر مصاحبه‌شوندگان تأکید داشتند که مسکن قبلی آنان محلی برای فعالیت‌های مختلف اقتصادی ایشان بوده است؛ در مساکن قبلی این امکان وجود داشت که تعدادی دام نگهداری شود؛ ولی پس از اسکان در مکان جدید، ممنوعیت نگهداری دام در حریم روستا، محدودیت از لحاظ وسعت و درهم‌فشرده‌گی منازل، این امکان از روستاییان سلب شد. نکته حائز اهمیت دیگر در این زمینه آن است که کشت اول روستا؛ یعنی توتون و سیگار از سابقه طولانی برخوردار است؛ بنابراین، الگوی مسکن روستاییان تا حدود زیادی متأثر از آن است؛ به طوری که در اکثر مساکن، فضایی به نام گرم‌خانه و سردخانه برای پهن کردن و خشک‌نمودن محصول وجود دارد. این فضاها که کارکردی غیرسکونتی داشتند، با جابه‌جایی روستا از بین رفتند یا با توجه به محدودیت جا کمتر شد. اکثر واحدهای مسکونی در مکان جدید دارای چند اتاق کوچک و حدود ۱۰۰ متر مربع حیاط در جلوی آن هستند. مشاهدات میدانی بیانگر کمبود فضا برای توقف و پارک وسایل نقلیه عمده کشاورزی مانند تراکتور، تیلر و کمباین در حیاط منازل هستند که با توجه به نبود پارکینگ در واحدهای مسکونی و فضای باز مانند گذشته در درون روستا و همچنین، تعداد نسبتاً زیاد وسایل نقلیه در روستا، مشکلات متعددی به وجود آمده‌اند.

- تغییرات کاربری

روستای صفی‌آباد در مکان قبلی فاقد کاربری‌های خدماتی، ورزشی، آموزشی، تجاری و ... بود؛ اما بعد از انتقال به مکان جدید این کاربری‌ها دایر شد. به طور کلی، می‌توان گفت در مکان جدید بر غنای کاربری‌ها افزوده شد. آزمون ویلکاکسون نیز همین مطلب را نشان می‌دهد و از ۱۱۷ نفر پاسخ‌گو، ۷۹ نفر تغییرات در این زمینه را مثبت، ۳۰ نفر خنثی و تنها ۸ نفر منفی ارزیابی کرده‌اند؛ بنابراین، می‌توان دسترسی به این کاربری‌های جدید را از جمله اثرات مثبت طرح ارزیابی نمود.

- وضعیت و کیفیت معابر

وضعیت و کیفیت معابر بعد از جابه‌جایی روستا به‌طور اساسی تغییر یافته است و براساس اصول خیابان‌کشی اصلی و فرعی، در الگوی شطرنجی اجرا شده است؛ بنابراین، یکی دیگر از پیامدهای مثبت اجرای طرح جابه‌جایی، بهبود وضعیت معابر و کیفیت آن است.

- فضای سبز

درزمینه فضای سبز وضع به‌گونه‌ای دیگر و کاملاً برعکس است و نتایج آماری علاوه‌بر معنادار نشان‌دادن تفاوت در دو دوره قبل و بعد جابه‌جایی، نشان می‌دهند که اثرات منفی جابه‌جایی درزمینه فضای سبز بسیار بیشتر از اثرات مثبت آن بوده است. دراین‌زمینه، ۱۱۱ نفر به اثرات منفی، ۲ نفر به اثرات مثبت و ۴ نفر به نبود تفاوت اشاره کرده‌اند. تفاوت فضای سبز در مکان قبلی روستا و مکان فعلی آن به‌وضوح پیدا است؛ زیرا، مکان قبلی با توجه به قدمت و سابقه سکونت در آن، دارای درختان فراوان و قطور و نیز فضای سبز، مصفا و آرامش‌بخش است؛ حال‌آنکه انتقال روستا به مکانی دیگر و آن هم در زمانی نسبتاً کم، امکان ایجاد فضای سبز را ازبین برده است و این مسئله در میکروکلیمای روستا نیز به‌خوبی مشخص است؛ به‌طوری که مکان قبلی، در گرمای تابستان هوایی خنک‌تر و دلچسب‌تر دارد و البته محیطی مطلوب‌تر و مأمّن گرم‌تری در سرمای زمستان به‌شمار می‌رود. این تفاوت‌ها شاید در ظاهر و در ابتدای امر چندان مهم به‌نظر نرسد؛ اما درواقع، گویای تفاوت کیفیت زیست‌پذیری دو مکان مجزا، هرچند با فاصله کم است.

- آلودگی‌های زیست‌محیطی

آلودگی‌های زیست‌محیطی در مکان جدید، به‌واسطه طرح کالبدی ازپیش‌اندیشیده‌شده و تعبیه جداول و کانیهوهای دفع پساب‌های خانگی و نیز جانمایی سطل‌های زباله در روستا، تا حدود زیادی کمتر شده‌اند. دراین‌زمینه، با کم‌شدن یا ازبین‌رفتن دام‌های خانگی، بهداشت محیط تقویت شده است؛ زیرا، در مکان قبلی، دامداری کاملاً به‌صورت سنتی رواج داشت و فضولات دامی در گوشه حیاط یا کوچه ریخته می‌شدند. دراین‌زمینه، ۹۳ نفر ارزیابی‌شان از

جابه‌جایی مثبت بوده، ۱۳ نفر منفی و ۱۱ نفر بدون تغییر بوده است. در این مورد نیز آزمون ویلکاکسون تفاوت معناداری در دو دوره قبل و بعد از جابه‌جایی نشان می‌دهد.

جدول ۴- آزمون تغییرات مؤلفه‌های کالبدی- محیطی در دوره قبل و بعد از جابه‌جایی روستای

صفی‌آباد

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۲

مؤلفه‌ها	رتبه‌ها	میزان Z	سطح معناداری
استحکام و مقاومت مساکن	رتبه‌های منفی = ۰	-۹/۱۰۴	۰/۰۰۰
	رتبه‌های مثبت = ۱۰۹		
	رتبه‌های برابر = ۸		
گرایش به ساخت منازل به سبک شهری	رتبه‌های منفی = ۰	-۹/۲۶۴	۰/۰۰۰
	رتبه‌های مثبت = ۱۰۹		
	رتبه‌های برابر = ۸		
تغییرات کاربری‌ها	رتبه‌های منفی = ۸	-۶/۶۵۷	۰/۰۰۰
	رتبه‌های مثبت = ۷۹		
	رتبه‌های برابر = ۳۰		
وضعیت و کیفیت معابر	رتبه‌های منفی = ۰	-۹/۳۸۳	۰/۰۰۰
	رتبه‌های مثبت = ۱۱۴		
	رتبه‌های برابر = ۳		
فضای سبز	رتبه‌های منفی = ۱۱۱	-۹/۲۹۴	۰/۰۰۰
	رتبه‌های مثبت = ۲		
	رتبه‌های برابر = ۴		
آلودگی‌های محیط‌زیست	رتبه‌های منفی = ۱۳	-۸/۴۴۹	۰/۰۰۰
	رتبه‌های مثبت = ۹۳		
	رتبه‌های برابر = ۱۱		
امکانات رفاهی و زیربنایی (دسترسی - برق - گاز - تلفن - اینترنت و ...)	رتبه‌های منفی = ۶۴	۲/۳۹۰	۰/۰۱۷
	رتبه‌های مثبت = ۴۱		
	رتبه‌های برابر = ۱۲		
وضعیت آب آشامیدنی	رتبه‌های منفی = ۱۹	-۰/۰۹۳	۰/۹۲۶
	رتبه‌های مثبت = ۲۴		
	رتبه‌های برابر = ۷۴		

- امکانات رفاهی (دسترسی - برق - گاز - تلفن - اینترنت و ...)

یافته‌های تحقیق در مورد امکانات رفاهی نشان می‌دهد کفه تغییرات مثبت، پس از جابه‌جایی سنگین‌تر از تبعات منفی است. آزمون آماری، ۶۴ نظر مثبت را در مقابل ۴۱ نظر منفی و ۱۲ نظر برابر نشان می‌دهد و بیانگر معنادار بودن تفاوت است. تنها تفاوت این مورد با موارد قبلی آن است که سطح معناداری در این مؤلفه، در سطح ۰/۰۵٪ است و بنابراین، با سطح اطمینان ۰/۹۵٪ می‌توان این تفاوت را معنادار بیان کرد.

- کیفیت و کمیت آب

با توجه به اهمیت آب در برپایی و استقرار سکونتگاه‌های روستایی و نیز در ادامه حیات، آن به‌عنوان مؤلفه‌ای جدا از امکانات زیربنایی و رفاهی در نظر گرفته شد. در این زمینه، آزمون آماری تفاوت معناداری در دو دوره قبل و بعد را نشان نمی‌دهد. مشاهدات میدانی نیز مؤید همین نکته هستند؛ زیرا، آب روستا از چشمه‌ای در فاصله چند کیلومتری از روستا تأمین می‌شود و تغییر مکان روستا تغییری در کمیت و کیفیت آن به‌وجود نیاورده است (جدول ۴).

ب. اثرات و پیامدهای اجرای طرح در بعد اقتصادی

- اشتغال و ساختار آن

اولین مؤلفه‌ای که در این زمینه در نظر گرفته شده است، اشتغال می‌باشد؛ زیرا، الگوی اسکان تا حد زیادی متأثر از الگوی اشتغال است. در دوره قبل از جابه‌جایی، زراعت با ۶۶ نفر (۵۶/۴۱٪) شاغل، بیشترین سهم در اشتغال را دارا بوده است و بعد از آن، دامداری و دامپروری با ۳۸ نفر (۳۲/۴۸٪)، خدمات با ۷ نفر (۵/۹۸٪) و باغداری با ۲ نفر (۱/۷۱٪) رتبه‌های بعدی اشتغال را دارند. در این دوره، تعداد بیکاران ۴ نفر بوده و فردی در بخش صنعت و معدن مشغول به کار نبوده است. در دوره بعد از جابه‌جایی، این الگو به‌هم خورده و تغییراتی در ساختار اشتغال روستا پدید آمده است. هرچند زیرگروه زراعت همچنان با ۵۴ نفر (۴۶/۱۵٪) در رتبه اول قرار دارد، اما در جایگاه‌های بعدی تحولات شگرفی رخ داده است. فعالیت

دامداری رکود شدیدی داشته و اشتغال در آن به حدود یک‌سوم دوره قبل رسیده است. تعداد دامداران و دامپروران به ۱۱ نفر (۹/۴۱٪) کاهش یافته است. عمده این افراد به‌واسطه ازدست‌دادن فضای نگهداری دام، مجبور به فروش دام شدند و در حال حاضر، شغل اصلی آنان یا در صنعت و معدن یا در بخش خدمات است. فروش دام‌ها و بیکار شدن در روستا سبب مهاجرت به شهرهای دور و نزدیک شده است. مقصد این مهاجران، شهرهای مینودشت و گالیکش و در مسافتی دورتر، گرمسار، سمنان و تهران است. بخش خدمات با ۲۸ نفر شاغل (۲۳/۹۳٪)، در رتبه دوم قرار می‌گیرد و بخش صنعت با ۱۵ شاغل (۱۲/۸۲٪) در رتبه پس از آن است. فعالیت‌های زراعی این افراد عمدتاً کمتر می‌شود و توسط دیگر افراد خانوار انجام می‌پذیرد. علاوه بر اینکه ازدست‌دادن فضاهای مسکونی که کارکرد چندگانه و نیز کارکرد اقتصادی و سکونتگاهی داشته‌اند، بر این امر تأثیر بسزایی داشته است. در این دوره، بر تعداد بیکاران نیز ۳ نفر افزوده شده است؛ ولی در تعداد باغداران تغییری وجود نداشته است و همچنان همان ۲ نفر باقی مانده‌اند.

- میزان درآمد، وام و بدهی روستاییان

تغییر و تحولات ساخت اشتغال، در میزان درآمد، وام و بدهی روستاییان بسیار مؤثر بوده است؛ به طوری که به‌واسطه ازدست‌دادن زراعت و دامداری میزان درآمد روستاییان کاهش یافته است. براساس پرونداد آماری موجود، ۹۱ نفر بیان کرده‌اند که درآمد آن‌ها کمتر شده است؛ ۹ نفر درآمدشان بعد از جابه‌جایی بیشتر شده است و ۱۷ نفر نیز تغییر چندانی در درآمد خود مشاهده نکرده‌اند؛ به این ترتیب، براساس آزمون آماری ویلکاکسون، تفاوت معناداری مشاهده می‌شود. بنابر بررسی‌های صورت گرفته، متوسط درآمد آن‌ها در دوره قبل از جابه‌جایی، حدود ۴۲۰۰۰۰ تومان در ماه بوده است که این رقم برای نواحی روستایی رقم بالایی به حساب می‌آید. در دوره بعد از جابه‌جایی، این درآمد به ۲۷۰۰۰۰ تومان کاهش یافته است. در زمینه وام و بدهی نیز با توجه به آنکه اکثر افرادی که جابه‌جا شده‌اند، ۵۰۰۰۰۰۰ تا ۷۰۰۰۰۰۰۰

ریال وام دریافت کرده‌اند، در بعد از دوره جابه‌جایی وامدار و مقروض بوده‌اند. در این مورد نیز برون‌داد آماری تفاوت معناداری را نشان می‌دهد.

– سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های کشاورزی

از دیرباز، کشاورزی شغل اصلی ساکنان روستای صفی‌آباد بوده است و همان‌طور که در بخش کالبدی اشاره شد، این فعالیت حتی در الگوی مسکن روستاییان نیز به‌شدت تأثیرگذار بوده است و ساخت فضاهایی به‌نام گرم‌خانه و نم‌خانه (فضاهای نگهداری از برگ‌های توتون^۱) توتون^۱ و انبارهای مخصوص نگهداری بذر، کود و محصول جمع‌آوری‌شده، متأثر از این فعالیت بوده است. در دوره بعد از جابه‌جایی، کشاورزان روستا با ازدست‌دادن این فضاها، در مساکنی که عمداً از الگوی مسکن شهری تبعیت کرده‌اند، با محدودیت‌های زیادی مواجه شده‌اند. اگرچه جابه‌جایی روستا در میزان سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های کشاورزی تأثیر منفی داشته است، ولی این تأثیر از لحاظ آماری معنادار نیست.

– زمین زیرکشت و میزان تولید محصول

بررسی‌های انجام‌شده در این زمینه نشان می‌دهد بین سطح زیرکشت در دو دوره قبل و بعد از جابه‌جایی تفاوت معناداری وجود ندارد. در مورد تولید محصول نیز وضع به‌همین صورت است و هرچند روند منفی نسبت به گذشته وجود دارد، اما از لحاظ آماری، بین دو دوره تفاوت معناداری مشاهده نمی‌شود.

۱. کشت اصلی روستا توتون و گندم است.

- وضعیت دامداری

بیشترین تغییرات در زمینه وضعیت دامداری روستاییان روی داده است. دامداری و دامپروری در روستای صفی‌آباد در دوره قبل از جابه‌جایی درکنار زراعت، از ارکان اصلی اقتصاد روستا بوده است. این فعالیت در مواردی مکمل زراعت روستاییان بوده است و در مواردی به‌عنوان فعالیت اصلی روستاییان به‌شمار می‌رفته است؛ اما این منبع درآمد با طرح جابه‌جایی روستا و در نظر نگرفتن ملاحظات دامداری در روستا از بین رفته است و از این حیث روستاییان بسیار متضرر و ناراضی هستند.

جدول ۵- همبستگی میان متغیرهای اقتصادی تحقیق

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۲

مؤلفه‌ها	رتبه‌ها	مقدار Z	سطح معناداری
درآمد	رتبه‌های منفی=۹۱	-۸/۱۶۲	۰/۰۰۰
	رتبه‌های مثبت=۹		
	رتبه‌های برابر=۱۷		
بدهی و وام	رتبه‌های منفی=۱۱	۴/۷۴۳	۰/۰۰۰
	رتبه‌های مثبت=۸۳		
	رتبه‌های برابر=۲۳		
میزان سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های کشاورزی	رتبه‌های منفی=۵۹	-۱/۷۰	۰/۶۷۱
	رتبه‌های مثبت=۴۱		
	رتبه‌های برابر=۱۷		
تولید محصول	رتبه‌های منفی=۳۸	۲/۱۶۱	۰/۴۲۳
	رتبه‌های مثبت=۱۲		
	رتبه‌های برابر=۶۷		
زمین زیرکشت	رتبه‌های منفی=۲۶	-۰/۳۶۲	۰/۱۸۰
	رتبه‌های مثبت=۹		
	رتبه‌های برابر=۸۲		
وضعیت دامداری	رتبه‌های منفی=۱۱۱	-۹/۱۳۸	۰/۰۰۰
	رتبه‌های مثبت=۰		
	رتبه‌های برابر=۶		

برطبق آمار از ۱۱۷ نفر پاسخ‌دهنده، ۱۱۱ نفر تعداد دامشان بعد از جابه‌جایی کمتر شده است و تنها ۶ نفر تفاوتی در زمینه تعداد دام نداشته‌اند. مجموع تعداد گاوهای روستا ۵۳۲ رأس بوده است که پس از اجرای طرح، به ۳۹ رأس کاهش یافته است. دلیل اصلی آن از بین رفتن فضای نگهداری دام و شکل جدید مساکن و طرح کالبدی روستا است که امکان نگهداری دام را نمی‌دهد. در زمینه تعداد گوسفند و بز نیز وضع به همین صورت است. تعداد گوسفند و بز موجود در روستا، ۵۵۳۸ رأس بوده است که این مقدار بعد از جابه‌جایی به ۸۱۴ رأس رسیده است. همچنین، در مساکن جدید، امکان پرورش کرم ابریشم در فصل بهار نیز از روستاییان سلب شده است (جدول ۵).

ج. اثرات و پیامدهای اجرای طرح در بعد اجتماعی - فرهنگی

در این زمینه، ۵ مؤلفه بررسی شدند که نتایج آن به صورت مختصر در ذیل ارائه می‌شود.

- بهداشت و درمان

وضعیت بهداشت و درمان، تفاوت معناداری از لحاظ آماری با دوره قبل نشان نمی‌دهد.

- میل به ماندگاری در روستا

با توجه به ازدست‌دادن بخشی از منابع درآمد، میل به ماندگاری در روستا کم‌رنگ شده است و با دوره قبل از جابه‌جایی تفاوت معناداری را نشان می‌دهد؛ در حالی که در اهداف طرح جابه‌جایی یا به‌طور کلی در تمام طرح‌های بهسازی سکونتگاه‌های روستایی، یکی از اهداف مهم طرح، افزایش میل به ماندگاری در روستا است که انتظار می‌رود با بهسازی فیزیکی محیط زندگی روستاییان و ارتقای کیفیت بناها و خدمات، عملی شود؛ اما در این مورد، شاهد روند مخالف آن هستیم. به نظر می‌رسد شرایط اقتصادی به‌وجودآمده، در نتیجه طرح جابه‌جایی و ازدست‌دادن فرصت‌های شغلی درآمدزا مانند دامداری در روستا، از علل اصلی و تأثیرگذار در این مورد است.

- تعاملات درونی و انسجام اجتماعی

در این زمینه، تفاوت معناداری مشاهده می‌شود؛ به طوری که ۶۹ رتبه منفی در مقابل ۳۶ رتبه مثبت، نشان‌دهنده آن است که تعاملات درونی و انسجام اجتماعی نسبت به دوره قبل از جابه‌جایی کمتر شده‌اند. دلیل این مطلب آن است که مکان‌گزینی خانوارها و محلات در دوره قبل از جابه‌جایی، به صورت تکوینی و همراه با ملاحظات خویشاوندی و طایفه‌ای بوده است و معمولاً هر خانوار ترجیح می‌داده است که در کنار خویشاوندان و بستگان خود سکنی گزیند و به این ترتیب، محلاتی با نام‌هایی که عمده‌اً منتسب به نام‌خانوادگی آن طایفه یا بزرگان و ریش‌سفیدان آن طایفه است، شکل گرفته است و این خود عامل مهمی در افزایش تعاملات درونی روستاییان و افزایش انسجام اجتماعی بوده است. از آنجایی که بعد از جابه‌جایی، این نظم فضایی به خاطر دلایلی^۱ از بین رفت، به تدریج، قسمت عمده‌ای از تعاملات درونی و انسجام اجتماعی روستاییان کاسته شد. افزون‌براین، شکل و بافت شهری روستا در دوره بعد از جابه‌جایی، مانند محدود شدن حیاط‌ها و فضاهای مسکونی به وسیله دیوارها یا کم‌شدن فعالیت‌های کشاورزی و دامداری در روستا که خود همکاری و تشریک مساعی را می‌طلبید، می‌تواند از دیگر دلایل کاهش تعاملات درونی و انسجام اجتماعی در روستا به‌شمار آید.

- وضعیت مشارکت در امور مربوط به روستا

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد در وضع مشارکت مردم در دوره بعد از جابه‌جایی تغییری صورت نگرفته است.

- استرس و فشارهای روحی و روانی

استرس و فشارهای روحی و روانی ساکنان روستای صفی‌آباد در دوره بعد از جابه‌جایی بیشتر شده است. آنچه در فرایند تحقیق آشکار شده است، گویای آن است که در مواردی

۱. مانند اینکه ابتدا جوان‌ترها میل به جابه‌جایی نشان دادند و از محلات طایفه‌بندی شده خویش جدا شدند و سپس، گروه‌های سنی دیگر جابه‌جا شدند. همچنین، قطعه‌بندی زمین و مراحل واگذاری و زمان‌بندی آن، به خودی خود عاملی در راستای جدایی خانوارهای وابسته و همسایه بوده است.

شرایط زیستی و سکونتی بعد از دوره جابه‌جایی بهتر شده یا اینکه ترس از خطر لغزش و رانش زمین از میان رفته است؛ اما پیامدهای نامطلوب اجرای این طرح مانند مشکلات اقتصادی شدید به‌وجودآمده، همراه با برخی از تنگناهای کالبدی و معضلات اجتماعی بروز یافته، باعث شده است تا تحول مثبتی در کاهش استرس و فشارهای روحی روستاییان پدید نیاید؛ بلکه تا حدود زیادی بر استرس‌ها و فشارهای روحی و روانی روستاییان افزوده گردد (جدول ۶).

جدول ۶- همبستگی میان متغیرهای اجتماعی - فرهنگی تحقیق

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۲

مؤلفه‌ها	رتبه‌ها	میزان Z	سطح معناداری
بهداشت و درمان	رتبه‌های منفی=۵	۰/۰۸۹	۰/۸۹۴
	رتبه‌های مثبت=۱۸		
	رتبه‌های برابر=۹۴		
میل به ماندگاری در روستا	رتبه‌های منفی=۷۴	-۵/۶۲۴	۰/۰۰۰
	رتبه‌های مثبت=۱۵		
	رتبه‌های برابر=۲۸		
مهاجرت به شهر	رتبه‌های منفی=۱۵	-۸/۰۴۲	۰/۰۰۰
	رتبه‌های مثبت=۸۱		
	رتبه‌های برابر=۲۱		
تعاملات درونی و انسجام اجتماعی	رتبه‌های منفی=۶۹	-۳/۸۴۱	۰/۰۱۷
	رتبه‌های مثبت=۳۶		
	رتبه‌های برابر=۱۲		
وضعیت مشارکت در امور مربوط به روستا (مثلاً عمران روستایی)	رتبه‌های منفی=۳۳	-۱/۲۱۳	۰/۱۴۵
	رتبه‌های مثبت=۱۷		
	رتبه‌های برابر=۶۷		
استرس و فشارهای روانی	رتبه‌های منفی=۲۱	۲/۵۹۲	۰/۰۱۱
	رتبه‌های مثبت=۶۹		
	رتبه‌های برابر=۲۷		

۵. بحث و نتیجه‌گیری

در فرایند برنامه‌ریزی توسعه روستایی، توجه به مخاطرات طبیعی ضروری است. آسیب‌پذیری نواحی روستایی در برابر مخاطرات طبیعی از یک سو، و پایین بودن سطح آگاهی مردم و نیز بالابودن میزان خطر در فعالیت‌های روستایی از سوی دیگر، از جمله عوامل مهمی هستند که توجه به رویکردهای نوین را در عرصه مقابله با مخاطرات طبیعی ضروری می‌سازد. تجربیات نه‌چندان مثبت جهانی و ملی در این زمینه، این الزام را مطرح می‌کند که با طرح‌هایی همچون تجمیع و جابه‌جایی روستاها باید با احتیاط برخورد شود و در صورت ضرورت، این روش‌ها به‌عنوان آخرین گزینه باشند. اقدام در این زمینه بدون توجه لازم به همه جنبه‌ها و ملاحظات اجتماعی- فرهنگی، اقتصادی و زیست‌محیطی جامعه روستایی، برهم‌زدن ساختار کنونی و ایجاد اغتشاش در عرصه‌های روستایی را به دنبال خواهد داشت.

از نکات مثبت طرح جابه‌جایی صفی‌آباد می‌توان به تنوع کاربری‌های خدماتی در روستا، بهبود کیفیت دسترسی به معابر و استحکام منازل اشاره کرد؛ اما در مقابل، به دلیل طراحی بافت سکونتگاه با الگوی شطرنجی فشرده، فضای سبز در روستا بسیار محدود شده است.

در طرح جابه‌جایی روستای صفی‌آباد- همانند اغلب تجربیات پیشین- با نگرشی صرفاً مکانیکی و چشم‌پوشی از دخالت عوامل اقتصادی- اجتماعی، تنها به ملاحظات فیزیکی و کالبدی پرداخته شده است و توجه چندانی به هویت اجتماعی و اقتصادی روستا نشده است. در نتیجه، موجودیت اقتصادی روستا با معضلات و مشکلات فراوانی مواجه شده و همچنین، ماهیت اجتماعی روستا با تنش‌ها و چالش‌هایی روبه‌رو شده است. یافته‌های جداول (۵) و (۶) بیانگر این نتیجه است و در این زمینه، نتایج تحقیقات افراخته (۱۳۷۶)، ایزدی‌خرامه (۱۳۷۶) و تعدادی از تحقیقات خارجی نیز این یافته را تأیید می‌کنند.

نکته مهم دیگری که می‌توان به آن اشاره نمود، مشارکت‌نداشتن مردم و مدیران محلی در فرایند تهیه و اجرای طرح و نظارت بر آن است. این، در حالی است که امروزه راهبردهای مدیریتی و برنامه‌ریزی توسعه روستایی، در همه زمینه‌ها میل و گرایش زیادی به رویکردهای مشارکتی و تعاملی دارند و بسیار از نگاه صرفاً بالا به پایین و به دور از مشارکت و تعامل

جوامع محلی، پرهیز می‌نمایند. دخالت‌ندادن نظرات و نیازهای روستاییان یا به‌طور کلی، مشارکت‌ندادن جامعه محلی، موضوعی است که تقریباً در همه طرح‌های بررسی شده به آن اشاره شده است. همین نکته ظریف اما مهم، نقش اساسی در موفقیت طرح و رضایت مردم دارد.

در نهایت، می‌توان گفت تصویب و اجرای طرح جابه‌جایی روستای صفی‌آباد با توجه به وجود رانش زمین در بخشی از آن و خطر زیادی که وجود دارد، حرکتی پیشگیرانه و هوشمندانه در چارچوب مدیریت خطر است و به دلیل چنین حرکت و اتخاذ چنین چارچوبی قابل تمجید است؛ اما اتخاذ نکردن رویکرد مناسبی که در چارچوب ملاحظات توسعه منطقه‌ای و ملی انجام گرفته باشد و آمیزه‌ای جامع از ملاحظات دخیل در مسئله با مشارکت مردم و مدیران محلی باشد، منجر به موفق‌نشدن طرح به‌ویژه در ابعاد اقتصادی شده است. این مسئله باعث شد با وجود از بین رفتن تهدیدهای محیطی ناشی از خطر رانش در روستای صفی‌آباد، کیفیت زندگی و کیفیت زیست‌پذیری روستا ارتقاء نیابد و چه‌بسا کاهش ملموس و مشهودی نیز پدید آید.

با توجه به تجربیات به‌دست‌آمده و مشکلات این طرح، پیشنهادهای زیر را می‌توان برای طرح‌های کالبدی مشابه در سایر موارد ارائه کرد:

۱. توجه به ملاحظات اقتصادی، از جمله نوع معیشت و اقتصاد روستاییان در برنامه‌ریزی کالبدی روستاها به‌ویژه در طراحی مساکن روستاییان و بافت سکونتگاهی؛
۲. توجه به ویژگی‌های اجتماعی - فرهنگی و طراحی بافت محله‌ای در سکونتگاه‌های جدید، با هدف پذیرش فرهنگ مردم و جلب رضایت و مشارکت آنان؛
۳. شناخت و مطالعه دقیق و کارشناسی شده محل پیشنهادی اسکان مجدد؛
۴. درگیر نمودن و شرکت‌دادن روستاییان در فرایند برنامه‌ریزی و اجرای طرح اسکان مجدد، به شیوه‌های مناسب در هر مورد خاص؛
۵. حمایت‌های کافی دولت از روستاییان متمایل جابه‌جایی به محل جدید، از طریق اعطای اعتبارات مالی ویژه؛

۶. نداشتن نگرش مشابه و یکسانی در برنامه‌ریزی کالبدی شهری و روستایی به‌ویژه در طراحی و ساخت مسکن و متعلقات آن.

کتابنامه

۱. رکن‌الدین افتخاری، ع.؛ بدری، س. ع. و پورطاهری، م. (۱۳۹۰). «روشن‌شناسی مشارکتی در برنامه‌ریزی کالبدی سکونتگاه‌های روستایی». تهران: بنیاد مسکن انقلاب اسلامی.
۲. افراخته، ح. (۱۳۷۶). «الزامات اقتصادی، اجتماعی در بازسازی سکونتگاه‌های آسیب‌دیده». فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، ۱۲(۴): ۱۳۴-۱۲۰.
۳. ایزدی‌خرامه، ح. (۱۳۷۶). «بررسی پیامدهای تجمیع روستاهای تخریب‌شده بر اثر بلایای طبیعی در استان فارس». مجموعه مقالات اولین سمینار روستاهای پراکنده. ۱۵ آبان ۱۳۷۵، تهران: بنیاد مسکن انقلاب اسلامی: ۱۶۲-۱۱۲.
۴. بدری، س. ع. و رفعیان، م. (۱۳۷۳). «ادغام روستاها و بازسازی مناطق روستایی آسیب‌دیده از زلزله: یک بررسی تحلیلی». مجموعه مقالات هشتمین کنگره جغرافیدانان ایران، جلد دوم، دانشگاه اصفهان، ۲۰-۱۸ شهریور ۱۳۷۱.
۵. بنیاد مسکن انقلاب اسلامی. (۱۳۷۶). «مجموعه مقالات اولین سمینار سامان‌دهی روستاهای پراکنده». تهران: بنیاد مسکن انقلاب اسلامی.
۶. پورطاهری، م.؛ رکن‌الدین افتخاری، ع. و بدری، س. ع. (۱۳۹۰). «راهبردها و سیاست‌های برنامه‌ریزی کالبدی سکونتگاه‌های روستایی». تهران: بنیاد مسکن انقلاب اسلامی.
۷. تقوایی، م. غفاری، س. ر. (۱۳۸۵). «اولویت‌بندی بحران در نواحی روستایی با روش AHP (مطالعه موردی: دهستان بازفت)». مجله پژوهشی دانشگاه اصفهان (علوم انسانی)، ۲۰(۱): ۷۴-۴۷.
۸. جباری‌ارفعی، ش. (۱۳۷۶). «نخستین تجربه سامان‌دهی جنگل‌نشینان در شرق مازندران». مجموعه مقالات اولین سمینار روستاهای پراکنده. تهران: بنیاد مسکن انقلاب اسلامی.

۹. رحمتی، م. م. (۱۳۷۶). «ادغام روستا و دگرگونی‌های اقتصادی-اجتماعی ناشی از آن (مورد: روستاهای زلزله‌زده رودبار و منجیل)»، مجموعه مقالات اولین سمینار روستاهای پراکنده، ۱۵ آبان ۱۳۷۵، تهران: بنیاد مسکن انقلاب اسلامی: ۳۲۲-۳۰۰.
۱۰. سعیدی، ع. و حسینی‌حاصل، ص. (۱۳۸۸). «شالوده مکان‌یابی و استقرار روستاهای جدید». تهران: بنیاد مسکن انقلاب اسلامی.
۱۱. هاشمی کوچکسرای، س. م. (۱۳۷۶). «بررسی پراکندگی سکونتگاه‌های روستایی در ایران: تاریخچه، علل و توصیه‌ها». مجموعه مقالات اولین سمینار روستاهای پراکنده، ۱۵ آبان ۱۳۷۵، تهران: بنیاد مسکن انقلاب اسلامی: ۵۷۳-۵۶۰.
۱۲. هگت، پ. (۱۳۷۵). «جغرافیا: ترکیبی نو». ترجمه شاپور گودرزی‌نژاد، جلد دوم. تهران: انتشارات سمت.

13. Afolayan, A. A. (1987). "*The Sasa Resettlement Project: A Study in Problems of Relocation*". Habitat International, 2: 43-57.
14. Agba Ogaboh, A. M.; Akpanudoedehe, J. J. & Ushie, E. M. (2010). "*Socio-economic and Cultural Impacts of Resettlement on Bakassi People of Cross River State- Nigeria*". Studies in Sociology of Science (Canada), 1(2): 50-62.
15. Akwabim, K. A. (1990). "*The Political Economy of Agricultural Resettlement and Rural Development in Zimbabwe: The Performance of Family Farms and Producer Cooperatives*". Society for Applied anthropology, 49(4): 320-338.
16. Badri, S. A. (2001). "*Evaluating Resettlement after Natural Disasters: Case of Abbar in North of Iran*". Spatial Econometrics, 32 (3): 125-137.
17. Cernoa, M. M. (1995). "*Literature on Development Induced Displacement and Resettlement*". The Word Band Publication. Available in www.fmreview.org
18. Charvériat, C. (2000). "*Natural Disasters in Latin America and the Caribbean: An Overview of Risk*". No. 434, Working Paper, Inter-American Development Bank, Research Department.
19. Hansoon, K.; Danielson, M. & Ekenberg, L. (2008). "*Assessment of a Flood Management Framework, International Journal of Public Information Systems*", 1: pp. 25-37.
20. Jibril, I. U. (1990). "*Resettlement Problems in Usman Town of Nigeria's New Federal Capital Territory*". Unpublished M.Sc. Thesis, Nigeria: Bayero University.
21. Kulaba, S. M. (1982). "*Rural Settlement Policies in Tanzania*". Habitat International, 6(1): 15-29.

22. Lightfoot, R. (1987). "**Planning Reservoir Related Resettlement Programmed in North-East Thailand**". Journal of Tropical Geography, (48): 47-57.
23. Olawepo. R. A. (2008). "**Resettlement and Dynamics of Rural Change in Jebba Lake Basin- Nigeria**". Journal of Social Science, 16(2): 115-120.
24. Osterling, J. p. (1979). "**The Peruvian Disaster and the Spontaneous Relocation of Some of its Victims: Ancashino Peasant Migrants in Huayopampa**". Journal of Mass Emergencies, 4: 117-120.
25. Viser, S. A. (1972). "**General Introduction in Kainji, a Nigeria Man Made Lake**". Kainji Studies One. Ibadan: Nigerian Institute for Social and Economic Research.
26. Woube, M. (2005). "**Effect of Resettlement Schemes on the Biophysical and Human Environments: The Gambala Region, Ethiopia**". Florida: Universal Publisher.